

نشانه‌ها

حجت الاسلام سید حمید میر خندان

تحلیل گران همواره از روش‌هایی برای تحلیل محتوا سود می‌جویند که نشانه‌شناسی یکی از آنهاست؛ اما بتیان‌های فلسفی این روش چیست؟
پیش از ورود به بحث، بیان دو نکته خالی از فایده نیست:
۱. این بحث بسیار جزئی است؛ زیرا در بحث تحلیل محتوا، روش‌های مختلفی وجود دارد که به روش‌های کمی و کیفی در مطالعات رسانه‌ای تقسیم می‌شود. روش‌های تحلیل محتوای کیفی خود به چند زیر عنوان تقسیم می‌شوند که نشانه‌شناسی یک مورد از آن روش‌هاست.
۲. در نقدی که از پایگاه دین، بر این روش می‌توان وارد ساخت، گاه نسبت ما با این روش نسبت نفی مطلق است و گاه نسبت تغییر و تحویل.

چه می‌گویند؟

تحلیل محتوا حیطه‌ای از پژوهش در علوم اجتماعی است که در مطالعات رسانه‌ای به طور خاص، برای بررسی جهت‌گیری محتوای رسانه به کار می‌رود. تحلیل محتوا علاوه بر اینکه به درک قوی‌تر مخاطبان کمک می‌کند، به دلیل بررسی محتوای آشکار و برملا ساختن محتوای پنهان متون برنامه‌های رسانه‌ای، دامنه و عمق تأثیر آنها بر فرهنگ یک ملت را روشن می‌سازد. از همین رو، می‌توان این روش تحلیل‌کننده را برای سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه مفید دانست.

از دیگر سو، نشانه‌شناسی یکی از متداول‌ترین و تأثیرگذارترین روش‌های تحلیل است که به ویژه در متون تصویری، کاربرد بسیاری یافته است. نشانه‌شناسی به عنوان یک علم، در اوایل قرن بیستم، توسط فردینان دو سوسور ابداع شد. مطالعات او به طور خاص، درباره زبان بود؛ چرا



حجت الاسلام سید حمید میر خندان

متولد سال ۱۳۳۱ شهر تهران

تحصیلات:

دانش‌آموخته حوزه علمیه قم (خارج فقه و اصول)

تالیفات:

محقق‌نویس مجلس بر ساحل حدیث

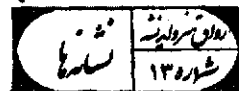
سید محمد مجاهد پیش‌آهنگ جهاد

سمای ریز (تاریخ شهر ری)

محمد بن ابی‌عباس زین‌العابدین عشق

عوان بن تغلب بر قامت تشیع

تاملی بر فقه موسیقی



که وی زبان را الگوی مسلط و برتر نشانه‌شناسی تلقی می‌کرد. سوسور دو مفهوم *نظام زبان* و *گفتار* را ابداع کرد. گفتار، کاربرد زبان توسط افراد است؛ اما نظام زبان، با ساختار، نظام، سیستم و به تعبیر دیگر، با روابط سر و کار دارد. نظام زبان به مثابه یک ساختار، امری اجتماعی، ناآگاهانه، پیشینی و خارج از انتساب فرد است.

مفهوم نظام و ساختار به منزله امری اجتماعی و ناخودآگاهانه و پیشینی، در کاربست نشانه‌شناسی در دیگر حوزه‌های علوم انسانی، از جمله در مردم‌شناسی (کلود لوی اشتروس) ادبیات و نقد ادبی (رولان بارت) نظریه فیلم (گریستین متز، امبرتو آکو، پیتر وولن و دیگران) بسط یافت و استلزامات نظریه آن مورد توجه قرار گرفت؛ به گونه‌ای که رویکرد ساختاری در مطالعات نشانه‌شناسی در حوزه‌های مذکور، رویکرد قالب و مسلط گردید.

مفاهیم مختلفی چون ایدئولوژی، جهان بینی و فرهنگ که غالباً هم پوشانی و اشتراکات بسیاری دارند، در حوزه‌های ذکر شده، مورد بحث قرار گرفتند. این مفاهیم همچون نظام زبان در نظریات سوسور، به منزله امری ساختاری هستند که سه ویژگی مهم دارند:

الف) از مقوله معنا هستند؛ معنایی متقابل مانند مرگ و زندگی، زن و مرد، شهر و بیابان و...؛

ب) امری نشأت گرفته از اجتماع هستند، نه فرد؛

ج) حضوری ناخودآگاهانه در فرد دارند؛ مثلاً این جمله از اشتراوس در اسطوره‌شناسی آمده است که:

مهم نیست چگونه افراد به اسطوره‌ها می‌اندیشند، مهم این است که اسطوره‌ها چگونه در افراد می‌اندیشند، بی‌آنکه با خبر باشند چه می‌کنند.

این دیدگاه، یعنی تقدم ساختار ایدئولوژیک اجتماع بر فرد و به تعبیر نشانه‌شناسان ساختارگرا، محدودیت‌های آزادی انسان به گونه‌ای که می‌توان میزان حداقلی آن را نادیده گرفت، نگرشی انتقادی به دیدگاه انسان‌گرایانه لیبرالیستی دوران مدرن است و بازتاب دهنده تفاوت و تضاد در تفکر سکولار دوران مدرن.

این دیدگاه با نفی مفاهیمی چون آزادی و فردیت، نقش انسان را در انتخاب باورها، ارزش‌ها و نظام رفتاری خود منتفی می‌داند و این اجتماع است که از پیش، ایدئولوژی انسان را تعریف کرده و او را بی‌آنکه خود بداند، تحت سیطره خویش قرار داده است.

این دیدگاه از دو جریان فکری عمده، یعنی مارکسیسم و فرویدیسم که از بنیان‌های نظریه سکولاریسم به شمار می‌آیند، متأثر است. در دیدگاه مارکس، انسان سخت تحت تأثیر اجتماع قرار دارد و اجتماع دارای ساختار یا به تعبیر مارکسیست‌ها، زیربنایی اقتصادی است که نشانه‌شناسان ساختارگرا این زیربنا و ساختار را نه اقتصاد، بلکه ایدئولوژی و فرهنگ می‌دانند.

در این میان، مفهوم *ناخودآگاه*، همچنان که نشانه‌شناسان خود تصریح کرده‌اند، برگرفته از

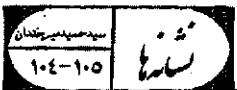
رویکرهای انتقادی در فیلم، فرمالیسم و نورمالیسم

و مقالاتی به چاپ رسیده در *نوم ماهنامه* *سوره* یناب، فصلنامه *سنجش و پژوهش* و ...

مسئولیت‌ها

مدیریت خانه هنر و اندیشه مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما (۱۳۸۱ - ۱۳۷۹)

پژوهشگر سینما و رسانه خانه هنر و اندیشه مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



روان کاوی فروید است. آنان همه نموده‌های فرهنگی را بستر انعکاس ایدئولوژی ناخودآگاهانه می‌دانند که باید همچون تعبیر رؤیا در روان کاوی فروید، به تفسیر، تاویل و رمزگشایی آنها دست زد تا بتوان ایدئولوژی را آشکار ساخت.

در برابر دیدگاه بیان شده درباره ایدئولوژی و انسان، می‌توان از دیدگاهی سخن گفت که تأثیر اجتماع، ایدئولوژی و فرهنگ حاکم بر آن را در خود نادیده نمی‌گیرد؛ اما فروکاستن فرد به انسانی ناخودآگاه و مجهول در برابر ایدئولوژی را درست نمی‌داند. این دیدگاه تبیینی از دیدگاه میانه‌ای است که در روایات پیشوایان ما، از آن به *امر بین الامرین* تعبیر شده و در برابر دیدگاه آزادی مطلق یا دیدگاه جبر مطلق انسان است.

در نهایت، می‌توان گفت نشانه‌شناسی ساختارگرا، از آنجا که به درک سطح ضمنی و پنهان متن - پنهان از نظر خوانندگان متن یا حتی از نظر خود مؤلف یا مؤلفان اثر - کمک می‌کند، روشی درخور اعتناست؛ اما تقلیل انسان به موجودی مجبور و تحت سیطره اجتماع، اشتباهی نظری است که می‌خواهد همه باورها، ارزش‌ها و نظام رفتاری انسان را در سطح تبعیت ناخودآگاهانه از ایدئولوژی اجتماعی تبیین کند.

متن، واقعیت و تعهد

نشانه‌شناسان ساختارگرا، پس از بیرون راندن مؤلف از حیطه معنایی اثر - به دلیل حضور ناخودآگاه او - پای خوانندگان را به متن باز می‌کنند. در حقیقت، خوانندگان هستند که به متن معنا می‌بخشند. در روند تولید معنا، معیار عینیت و اثبات‌پذیری - به تعبیر یارت - چیزی جز معنای محتمل نیست و این معنای محتمل را می‌توان تنها بر اساس کارکرد آن محک زد. این توجه به کارکرد یکی از مضامین تفکر سکولار در سنجش حقیقت و واقعیت از غیر آن است؛ یعنی آنچه در عمل، به کار می‌آید و مفید می‌افتد.

بیتروولن می‌گوید:

اسطوره، داشتن معنای یکه و تام در اثر فرو ریخته است؛ زیرا حقیقت و واقعیت



واحدی که اثر از آن حکایت کند، وجود ندارد.

بدین سان، نسبت معرفت و اخلاق - پلورالیسم معرفتی و اخلاقی - قدم در حیطه معنایی متن می گذارد. در این پلورالیسم معنایی متن، واقع نمایی و حقیقت مداری نیز بی معنا خواهد بود و در نتیجه، نمی توان نسبت متن را با حقیقت و تعهد آن را نسبت به دین سنجید، در چنین اتمسفر و فضایی نظری، اساساً سخن از تعهد مفهومی ندارد.

یکی از ملاحظات که درباره این دیدگاه وجود دارد، آن است که بیرون راندن مؤلف از متن، با توضیح ناخودآگاه بودن او نسبت به حیطه های معنایی متن، مبنای تام و تمامی نیست و باید این انگاره تام و مطلق را کنار گذاشت.

ایدئولوژی، فرهنگ یا جهان بینی می تواند نه آگاهی کاذب و بر ساخته اجتماع یا فرده بلکه حکایت کننده حقیقت باشد. این حقیقت البته با مراتبی نزد انسان ها یافت می شود. انسان می تواند با حقیقت نسبت برقرار کند و آن را در اثر خود - چه اثر هنری و چه غیر هنری - منعکس کند. به این ترتیب، اثر نیز می تواند بر حسب میزان قرب به حقیقت، جنبه حقیقت نمایی داشته باشد. در این صورت است که می توان از تعهد مؤلف و اثر نسبت به حقیقت سخن گفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

